

# حمایت از مالکان خصوصی میراث فرهنگی و ارائه پیشنهادهای سیاستی





بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تاریخ انتشار:  
۱۴۰۴/۷/۲۳



مرکز پژوهش‌های  
مجلس شورای اسلامی

مسلسل:  
۲۱۰۷۶

**عنوان گزارش:**

حمایت از مالکان خصوصی میراث فرهنگی و ارائه پیشنهادهای سیاستی

نوع گزارش: طرح / لایحه □ راهبردی ■ نظارتی □ پیش‌نویس قانونی □

**نام دفتر:**

مطالعات آموزش و فرهنگ (گروه ورزش، میراث فرهنگی و گردشگری)

**تهیه و تدوین:**

سوسن چراغچی

**مدیر مطالعه:**

سعید شفیعا

**ناظر علمی:**

موسی بیات

**ناظر علمی خارج از مرکز:**

حسین صادقی (دانشیار دانشگاه تهران)

**اظهار نظر کنندگان داخل مرکز:**

یحیی مزروعی ابیانه، میثم عظیمی (دفتر مطالعات حقوقی)

**گرافیک و صفحه آرایی:**

سیده فاطمه ابوطالبی

**ویراستار ادبی:**

مژگان کاظمی

**واژه‌های کلیدی:**

۱. مالکان خصوصی
۲. میراث فرهنگی
۳. حقوق مالکانه
۴. حمایت از میراث فرهنگی

**تاریخ شروع مطالعه:**

۱۴۰۴/۰۲/۰۱



## فهرست مطالب

۶	چکیده
۷	خلاصه مدیریتی
۹	۱. مقدمه
۱۱	۲. زمینه قانونی حمایت از مالکان خصوصی میراث فرهنگی در ایران
۱۸	۳. فقدان حمایت از مالکان خصوصی اموال فرهنگی - تاریخی منقول مجاز
۲۰	۴. خلأ موجود در زمینه حمایت از مالکیت معنوی میراث فرهنگی
۲۲	۵. جمع بندی و نتیجه گیری
۲۵	منابع و مآخذ

## فهرست جداول

۱۷	جدول ۱. قوانین و مقررات مرتبط
----	-------------------------------



## حمایت از مالکان خصوصی میراث فرهنگی و ارائه پیشنهادهای سیاستی

Doi: [10.22034/report.mrc.2025.1404.33.7.21076](https://doi.org/10.22034/report.mrc.2025.1404.33.7.21076)

### چکیده



قوانین ایران از یک سو، میراث فرهنگی را متعلق به عموم جامعه می‌شناسد و از آن به نفع همه آحاد ملت حمایت می‌کنند و از سوی دیگر، حقوق مالکان خصوصی میراث فرهنگی را به رسمیت می‌شناسند. با این حال، هنوز میان این دو حوزه توازن لازم برقرار نشده و عموماً حقوق مالکانه مردم تحت الشعاع حقوق عمومی میراث فرهنگی قرار می‌گیرد. که از جمله دلایل این امر، ناکافی بودن قوانین، سیاست‌ها و برنامه‌های اجرایی حمایت جبرانی از مالکان خصوصی است. نتیجه امر، نارضایتی برخی مالکان خصوصی از ثبت اموال متعلق به ایشان در فهرست آثار ملی است. گزارش حاضر ضمن بررسی لزوم حمایت از مالکان خصوصی میراث فرهنگی و زمینه قانونی موجود در این امر، پیشنهاد می‌دهد که قوانین لازم در راستای رفع محدودیت‌های ناشی از ثبت اموال دارای مالکان خصوصی در فهرست آثار ملی به تصویب برسد. همچنین، با توجه به سکوت قوانین موجود مربوط به اموال فرهنگی - تاریخی منقول مجاز (اموالی که نه از طریق حفاری غیر مجاز بلکه به شیوه‌های قانونی مانند توارث در اختیار مردم هستند) باید تا حدی به ارث بردن این اموال به رسمیت شناخته شود، کلیه مقررات و ضوابط مربوط به تعریف اموال فرهنگی - تاریخی منقول مجاز، نحوه احراز، اثبات و تأیید مالکیت، تهیه شناسنامه، طبقه‌بندی اموال، خرید و فروش و جابه‌جایی، نحوه و محل نگهداری، انتقال و خروج از کشور، برگزاری نمایشگاه‌های داخلی و خارجی و جرم‌انگاری‌های مربوط به نقض ضوابط، در یک قانون مختص به این موضوع پیش‌بینی شود.



## بیان مسئله / یافته‌های کلیدی

مالکان خصوصی اموال فرهنگی - تاریخی در ایران، در حالی که مکلف به رعایت قوانین، مقررات و ضوابط حفاظتی میراث فرهنگی شده‌اند، از حمایت‌های جبرانی لازم برخوردار نیستند.

قوانین و مقررات حوزه میراث فرهنگی، از ماده (۲۶) قانون مدنی (۱۳۰۷) و قانون راجع به حفظ آثار ملی (۱۳۰۹) گرفته تا قوانین مصوب پس از انقلاب اسلامی، به‌ویژه فصل نهم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ و ماده (۸) قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶، بر حاکمیتی بودن میراث فرهنگی به‌عنوان یک ثروت بی‌بدیل ملی تأکید داشته و حفاظت از این ثروت ملی را در زمره حقوق جامعه قرار داده‌اند. قانون ۱۳۰۹ دولت را مکلف کرد که همه آثاری را که در قالب تعریف این قانون ارزشمند می‌شناسد در فهرست آثار ملی ثبت کند. این قانون طی ماده چهارم، اموالی که دارای مالکیت خصوصی هستند را از این امر مستثنی نکرده و حتی مالکان را موظف ساخت که دولت را از وجود اموال خود که واجد ارزش ثبت در فهرست آثار ملی هستند مطلع سازند تا نسبت به بررسی و ثبت این اموال در فهرست آثار ملی اقدام کند.<sup>۱</sup> بدین ترتیب، ماده چهارم نه تنها ثبت آثار دارای مالکیت خصوصی توسط دولت را نیز تأیید و نهادینه کرد، بلکه حتی تکلیفی نیز بر مالکان در زمینه همکاری با دولت، ایجاد کرد.

با این حال، ماده پنجم همین قانون، حق مالکیت یا تصرف مالکان و متصرفین قانونی را رسماً تأیید کرد. با این وجود، مالکان و متصرفین را از هرگونه ایجاد مانع در انجام امور حفاظتی توسط دولت منع کرد.<sup>۲</sup> این رویکرد دوگانه ماده پنجم یعنی به رسمیت شناختن حقوق مالکانه و در عین حال لزوم مداخلات دولت در ملک متعلق به مالک خصوصی، به‌نوعی توازن میان اختیارات مالکان خصوصی و حقوق عمومی میراث فرهنگی را بر هم زده است. همچنین، در ماده ششم این قانون، اقدام‌هایی مانند خرابی، منهدم کردن، تعمیر و تجدید آثار ملی جرم‌انگاری کرده است. چندین دهه پس از قانون ۱۳۰۹، فصل نهم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵، نیز هرگونه مداخله در املاک ثبت شده در فهرست آثار ملی را جرم‌انگاری کرد و قضات دادگستری در پرونده‌های رسیدگی به تخریب، تعمیر و تغییر آثار توسط مالکان خصوصی به بخشی از مواد این فصل استناد می‌کنند.

این محدودیت‌ها اگرچه در راستای حفاظت از میراث فرهنگی به نفع عموم جامعه بسیار مؤثر است اما از سوی دیگر مشکلاتی را برای مالکان خصوصی ایجاد کرده است. مهم‌ترین آنها افت بهای ملک به دلیل محدودیت‌هایی مانند ممنوعیت ساخت و ساز، تعمیر و مرمت به شیوه دلخواه، همچنین ممنوعیت تغییر کاربری آثار ملی و موارد مشابه است. با وجود این محدودیت‌ها، برنامه‌ها، امکانات، تسهیلات و اقدام‌های جبرانی در راستای کمک به رفع مشکلات مالکان خصوصی توسط دستگاه دولتی متولی و یا سایر نهادهای اجرایی ذی‌ربط اتخاذ نمی‌شود و یا اینکه متناسب با حجم مشکلات مورد نظر نیست. به نظر می‌رسد پشتوانه قانونی مربوط به ضمانت کیفی حفاظت از میراث فرهنگی، باعث شده است که زمینه‌های حمایت جبرانی از حقوق مالکان خصوصی مورد غفلت واقع شود.

اگرچه در قوانینی مانند قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۴-۱۳۹۰) ماده (۱۱) بند «د»، قانون حمایت از مرمت و احیای بافت‌های تاریخی فرهنگی مصوب ۱۳۹۸، قانون برنامه هفتم پیشرفت جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۴۰۳ بند «پ» ماده (۸۳) و «آیین‌نامه حمایت از مالکان، متصرفان قانونی و بهره‌برداران خصوصی و غیردولتی آثار غیرمنقول و بافت‌های تاریخی فرهنگی ثبت شده

۱. قانون راجع به حفظ آثار ملی مصوب ۱۳۰۹، ماده چهارم «مالک مال غیرمنقولی که مطابق این قانون از آثار ملی می‌توان محسوب داشت و همچنین، هر کس که بر وجود چنین مالی پی ببرد باید به نزدیک‌ترین اداره مربوطه از ادارات دولتی اطلاع بدهد تا در صورتی که مقامات صالحه مقرر در نظام‌نامه اجراییه این قانون تصدیق کردند که از آثار ملی است در فهرست آثار ملی ثبت بشود».

۲. قانون راجع به حفظ آثار ملی مصوب ۱۳۰۹، ماده پنجم اشخاصی که مالک یا متصرف مالی باشند که در فهرست آثار ملی ثبت شده باشد می‌توانند حق مالکیت یا تصرف خود را حفظ کنند اما نباید دولت را از اقدام‌هایی که برای حفاظت آثار ملی لازم می‌داند ممانعت کنند در صورتی که عملیات دولت برای حفاظت مستلزم مخارجی شود دولت از مالک مطالبه عوض نخواهد کرد و اقدام‌های مزبور مالک را متزلزل نخواهد کرد.



در فهرست آثار ملی و تاریخی، فرهنگی و باارزش» مصوب ۱۴۰۰، اشاراتی به لزوم حمایت از حقوق مالکانه مالکان خصوصی میراث فرهنگی شده است، اما این پیش‌بینی‌ها به دلیل ایرادهایی چون کلی بودن عناوین مذکور در قانون و نیز نبود تعیین روش‌های اجرایی و عملیاتی و همچنین اختصاصی نبودن قوانین در حوزه حمایت از مالکان خصوصی، تاکنون به میزان کافی، به نتیجه مطلوب منجر نشده و دست کم در حوزه عملیاتی حمایت‌های جبرانی از مالکان خصوصی، چنانکه باید و شاید کارایی لازم را نداشته است.

### نقطه نظرات / یافته‌های کلیدی

- مالکان خصوصی به لحاظ ثبت آثارشان در فهرست آثار ملی و ضمانت اجرایی ممنوعیت هرگونه تعمیر، تجدید، تغییر و نوسازی و غیره (پیش‌بینی شده در مواد فصل نهم کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ تعزیرات) با محدودیت‌هایی مانند کاهش تقاضا برای خرید و فروش املاک ایشان و در نتیجه تنزل بهای این‌گونه املاک مواجه هستند.
- باید در راستای ایجاد تعادل میان ضرورت حفظ اموال ثبت شده در فهرست آثار ملی به نفع عموم جامعه از یک سو و حقوق مالکانه اشخاص خصوصی از سوی دیگر، سیاست‌ها، قوانین و برنامه‌های جبرانی برای کاهش فشارهای وارده به مالکان خصوصی اتخاذ شود. با این حال، قوانین پیشین که به موضوع حمایت از مالکان خصوصی میراث فرهنگی اشاره دارند، کفایت لازم را در این زمینه ندارند و برای حمایت مؤثر از حقوق مالکان خصوصی میراث فرهنگی، تصویب یک قانون مشخص و مختص این موضوع لازم است. همچنین ضروری است قوانین موجود حوزه میراث فرهنگی، با رویکرد ایجاد توازن میان حفاظت میراث فرهنگی به نفع عموم جامعه از یک سو و رعایت حقوق مالکانه دارندگان خصوصی از سوی دیگر از طریق پیش‌بینی حمایت‌های جبرانی، اصلاح شوند.

### پیشنهاد راهکار تقنینی، نظارتی یا سیاستی

با توجه به یافته‌های مشروح در این گزارش، پیشنهادها عبارت‌اند از تصویب:

- ۱) قانون حمایت از مالکان خصوصی میراث فرهنگی ثبت شده در فهرست آثار ملی با رویکرد پیش‌بینی‌های جبرانی؛
- ۲) اصلاح فصل نهم کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) و تعدیل مجازات‌های مالکان خصوصی در این فصل؛
- ۳) «قانون ساماندهی اموال فرهنگی - تاریخی منقول مجاز» با تأکید بر حمایت از مالکان خصوصی این دسته از اموال ضمن حفاظت از این دسته از اموال فرهنگی - تاریخی به نفع عموم جامعه؛
- ۴) الحاق یک تبصره ذیل بند «۴۶» لایحه اهداف و وظایف وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی، با موضوع ایجاد سازوکار تقنینی برای تعیین نحوه جبران محدودیت‌های وارده بر حقوق مالکانه مردم در چارچوب جزء «۲» بند «پ» ماده (۸۳) قانون برنامه هفتم پیشرفت کشور مصوب ۱۴۰۳؛
- ۵) ایجاد سازوکار اجرایی حمایت از مالکان خصوصی در وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی در سطوح ملی و استانی.

## ۱. مقدمه

یکی از مهم‌ترین مشکلات موجود در زمینه حفاظت از میراث فرهنگی ایران، نارضایتی مالکان خصوصی اموال فرهنگی - تاریخی از محدودیت‌هایی است که بر حقوق مالکانه آنها تحمیل می‌شود. این محدودیت‌ها عمدتاً به واسطه ثبت اموال آنها در فهرست آثار ملی و بالتبع ضمانت‌های کیفری مورد نظر در فصل نهم کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) ایجاد می‌شود. این امر وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی را نیز در انجام وظایف حاکمیتی خود در زمینه حمایت و حفاظت از میراث فرهنگی با مشکلات عدیده‌ای مواجه کرده است. مراجعه مالکان خصوصی به دیوان عدالت اداری برای درخواست خروج اموال خود از فهرست آثار ملی، درخواست‌های مکرر از وزارت، جهت تملک و یا ارائه زمین معوض و یا حتی در مواردی اقدام به تخریب خودخواسته املاک ثبت شده توسط مالکان، از جمله این مشکلات است.

مبدأ پیدایش این مشکل، تصویب قانون ۱۳۰۹ - به‌عنوان قانون پایه حمایت و ثبت آثار ملی - است که قوانین مصوب پس از آن نیز بر این موضوع صحت گذاردند و بدین ترتیب رویکرد پیش‌بینی شده در قانون ۱۳۰۹ را تداوم بخشیدند. رویکرد مورد نظر آن بود که قانون ۱۳۰۹، «آثار ملی» را حتی با وجود مالکیت خصوصی، واجد ارزش حمایت به نفع عموم جامعه شناخته و دولت را مکلف به ثبت و حفاظت از آثار کرد. این قانون در عین حال که محدودیت‌هایی بر حقوق مالکانه دارندگان آثار ثبت شده در نظر گرفت هیچ‌گونه تمهیداتی برای جبران محدودیت‌های ایجاد شده بر حقوق مالکانه ایشان، پیش‌بینی نکرد. ضمن این که ضرورت کسب رضایت از مالکان برای ثبت اموال آنها در فهرست آثار ملی در این قانون به صورت ناقص پیش‌بینی شد. طبق قانون ۱۳۰۹، ثبت همه آثار واجد ارزش حتی با وجود داشتن مالکان خصوصی، توسط دولت الزامی دانسته شد و مالکان موظف به رعایت نظرات دولت در این مورد شدند. با این حال، صرف نظر از تأکید ماده پنجم این قانون، مبنی بر این که مالکان و متصرفین اموال ثبت شده در فهرست آثار ملی «می‌توانند حق مالکیت یا تصرف خود را حفظ کنند» هیچ تمهیداتی برای جبران محدودیت‌های وارده بر مالکان ناشی از مداخله دولت در این گونه اموال در نظر گرفته نشد. قانون ۱۳۰۹ طی ماده ششم، انجام هر گونه عملیات مخرب، منهدم‌کننده و باعث تزلزل و تغییر صورت در عرصه و مجاورت (حریم) آثار ثبت شده را توسط مرتکبان، جرم‌انگاری کرد و در همین ماده تأکید کرد «اقدام به مرمت و تجدید بنایی از آثار ملی که در تصرف اشخاص باشد باید با اجازه و تحت نظر دولت واقع شود و گرنه مجازات‌های سابق الذکر ممکن است به مرتکب تعلق گیرد.» بدین ترتیب قانون ۱۳۰۹، نخستین قانونی است که حفاظت از میراث فرهنگی را همزمان با ایجاد محدودیت‌هایی بر مالکان و متصرفین، نهادینه کرده است.

قوانین پس از قانون ۱۳۰۹ نیز بر پایه پیش‌بینی‌های همین قانون و با رویکرد حفظ میراث فرهنگی به نفع عموم جامعه به تصویب رسیدند. مواد (۵۶۴ تا ۵۶۶) کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ مجلس شورای اسلامی از این نیز پیش‌تر رفته و تخطی مالکان از ضوابط حفاظتی تعیین شده از جانب سازمان میراث فرهنگی (وزارت فعلی) را به‌عنوان جرم شناخته و مرتکبین را مشمول مجازات دانستند.

ماده (۵۶۴) کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) که مربوط به مرمت، تعمیر، تغییر، تجدید و توسعه ابنیه یا تزئینات اماکن فرهنگی - تاریخی ثبت شده در فهرست آثار ملی بدون اجازه وزارت است، معمولاً در ارتباط با تخلف‌های مالکان خصوصی از ضوابط حفاظتی تعیین شده از جانب وزارت مذکور مورد استناد قرار می‌گیرد. در این ماده مرمت یا تعمیر، تغییر، تجدید و توسعه ابنیه یا تزئینات اماکن فرهنگی - تاریخی بدون اجازه سازمان (وزارت) میراث فرهنگی یا برخلاف ضوابط مصوب اعلام شده جرم‌انگاری شده است و مرتکبین مشمول مجازات شش تا دو سال حبس و پرداخت خسارات وارده هستند.



این اقدام‌ها نیز اگر چه به نوبه خود مخرب آثار فرهنگی - تاریخی محسوب می‌شوند اما به نظر می‌رسد اعمال مجازات حبس برای مالکان خصوصی متناسب با حقوق مالکانه ایشان نیست.

اگر چه به صورت موردی برخی از مالکان، عامدانه اقدام به تخریب ملک متعلق به خود می‌کنند و از این حیث مجرم شناخته می‌شوند و برخورد با ایشان در راستای حمایت از میراث فرهنگی ضرورت دارد، اما سختگیری‌های اعمال شده علیه عموم مالکان خصوصی بدون پشتیبانی‌های جبرانی، منصفانه نیست. این وضعیت و در برخی موارد سخت‌گیری‌های مضاعف علیه مالکان از سوی ادارات میراث فرهنگی به پشتوانه ضمانت کیفری مذکور و حق در نظر گرفته شده برای ایشان به عنوان شاکی خصوصی موجب استیصال یا حتی انزجار مالکان خصوصی از میراث فرهنگی شده است. در نتیجه در واکنش به این محدودیت‌ها و برای استیفای حقوق مالکانه خود، برخی از مالکان مبادرت به تظلم‌خواهی نزد مراجع قضایی یا مراجعه به دیوان عدالت‌داری برای خروج از ثبت می‌کنند. این وضعیت، برای وزارت نیز مشکلاتی را ایجاد می‌کند [۱].

طبق ماده (۵۶۳) نیز هر گونه تجاوز به اراضی و تپه‌ها و امکان تاریخی و مذهبی که به ثبت آثار ملی رسیده و مالک خصوصی نداشته باشد، به شرط علامت‌گذاری توسط سازمان میراث فرهنگی کشور جرم و مشمول مجازات است. با این وجود، حمایت این ماده مشمول آثار دارای مالک خصوصی نیست. در حالی که این آثار نیز بخشی از میراث فرهنگی جامعه هستند و باید در برابر تعرض‌ها، مورد حمایت دولت قرار گیرند. این امر می‌تواند نوعی حمایت از حقوق مالکانه دارندگان خصوصی و تشویق ایشان به حفظ میراث فرهنگی به شمار آید.

بدین ترتیب، دارندگان خصوصی اموال ثبت شده در فهرست آثار ملی، با وجود اینکه طبق قانون مالکیت خود را حفظ می‌کنند، محق به انجام مداخلاتی در اثر ثبت شده که ارزش‌های میراث فرهنگی آنها را مخدوش کند، نیستند و در صورت هر گونه اقدام به تغییر، تجدید، تعمیر و انتقال مالکیت بدون نظارت و تأیید سازمان میراث فرهنگی کشور (وزارت فعلی)، مجرم محسوب شده و با مجازات‌های قانونی مواجه می‌شوند.

نباید از نظر دور داشت که این محدودیت‌ها بارویکرد به لزوم حفظ ارزش‌های میراث فرهنگی، به نفع عموم جامعه ایجاد شده و لذا حفظ میراث فرهنگی به نفع همه مردم، حتی اگر به ایجاد محدودیت‌هایی در حقوق مالکیت خصوصی بینجامد، امری لازم است. با این حال، آنچه مورد غفلت قوانین ایران قرار گرفته است، فقدان تصریح در خصوص چگونگی جبران خسارات وارده به مالکان خصوصی به دلیل ثبت اموال متعلق به ایشان در فهرست آثار ملی است. بالتبع، به دلیل سکوت قانون، تکلیف دستگاه حاکمیتی در حمایت از مالکان خصوصی مشخص نیست. یکی از مهم‌ترین خسارات وارده به مالکان خصوصی، تنزل بهای ملک ثبت شده ایشان به دلیل محدودیت‌هایی چون امکان نداشتن ساخت‌وساز یا تعمیر و تجدید بنا به نحو دلخواه و خارج از ضوابط تعیین شده از جانب وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی است، این موضوع با توجه به ضمانت کیفری سابق الذکر، در صورت هر گونه اقدام خارج از چارچوب تعیین شده مورد نظر، مالکان مجرم تلقی شده و وزارت در حدود فصل نهم قانون مجازات اسلامی ایشان را مورد پیگرد قضایی قرار می‌دهد. این محدودیت مالکان را در تنگنا قرار می‌دهد.

بدین ترتیب باید اولاً، تکلیف دولت در حمایت از مالکان خصوصی میراث فرهنگی در قانون تصریح شود و ثانیاً، وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی که وظیفه حاکمیتی حفاظت از میراث فرهنگی را به عهده دارد با اتخاذ و اعمال سیاست‌ها و راهکارها و شیوه‌ها و اقدام‌های جبرانی، محدودیت‌های ایجاد شده بر حقوق مالکان اشخاص - که عمدتاً از اقشار ضعیف و کم‌درآمد جامعه هستند - را جبران کند تا هم میراث فرهنگی به نفع همه مردم حفاظت شود هم از مالکان که جزو شهروندان این کشور هستند، حمایت لازم به عمل آید. همچنین باید سهم سایر دستگاه‌های اجرایی مرتبط با موضوع در امر حمایت از مالکان خصوصی در قانون تبیین شود.

## ۲. زمینه قانونی حمایت از مالکان خصوصی میراث فرهنگی در ایران

■ **قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصول «۲۲» و «۴۷»**، مالکیت خصوصی افراد را مورد حمایت قرار داده است.<sup>۱</sup> با این وجود، در هر دو اصل نام برده، بر حاکمیت قانون بر موضوع مالکیت خصوصی تأکید شده است. بر این اساس، مالکیت خصوصی بر آثار فرهنگی - تاریخی نیز مورد تأیید قانون اساسی است. به علاوه بر این، تأثیر هم‌زمان دو قاعده فقهی «تسلیط» و «لاضرر و لااضرار»، هم در دو اصل نام برده و هم در قوانین حوزه میراث فرهنگی، قابل مشاهده است. طبق قاعده فقهی «لاضرر» که مستند بر عقل، آیات شریفه قرآن کریم و روایات است، هیچ کس حق ندارد به دیگران خسارت و زیان برساند یا با استفاده از یک حق یا جواز شرعی (به تعبیر امروز سوءاستفاده از حق) به افراد غیر، زیان وارد کند. به بیان دیگر، تسلط افراد بر اموال خود، نباید موجب ضرر به منافع دیگران - یا عموم مردم - شود. در مقابل، قاعده فقهی «تسلیط» بیان می‌دارد: «التاس مسلطون علی اموالهم»، به این معنا که مردم حق دارند هر گونه تصرفی را در اموال خود داشته باشند و هیچ کس حق مزاحمت در این زمینه را ندارد. با توجه به این دو قاعده فقهی به نظر می‌رسد که قوانین میراث فرهنگی، عمدتاً بر مبنای قاعده لاضرر استوارند. زیرا میراث فرهنگی متعلق به عموم جامعه است، لذا اقدام‌های یک مالک خصوصی یا متصرف قانونی نباید مانع بهره‌مند شدن عموم مردم از منافع میراث فرهنگی متعلق به ایشان شود. از این روست که مالکان یا متصرفین قانونی طبق قوانین موجود، با محدودیت‌هایی روبه‌رو هستند تا اثر متعلق به ایشان به نفع عموم جامعه حفظ شود. این مفهوم به خوبی در ماده پنجم قانون راجع به حفظ آثار ملی مصوب ۱۳۰۹ مستتر است.

■ **ماده (۲۶) قانون مدنی مصوب ۱۳۰۷**، برای نخستین بار آثار تاریخی و موزه‌ها را در حوزه مشترکات عمومی و غیر قابل تملک خصوصی در نظر گرفت.<sup>۲</sup> روشن است که این ماده منصرف از اموال خصوصی و صرفاً ناظر بر اموال عمومی و دولتی است لذا به‌طور مستقیم ارتباط موضوعی با مبحث حمایت از مالکان خصوصی میراث فرهنگی ندارد. با این حال، اهمیت این ماده قانونی در این است که برای نخستین بار آثار تاریخی و موزه‌ها را در حوزه اموال دولتی و مشترکات عمومی وارد کرد تا عموم جامعه از آنها بهره‌مند شوند. بدین ترتیب این ماده پایه‌گذار نخست حاکمیتی بودن میراث فرهنگی در حوزه حقوق عمومی ایران و به نوعی زمینه‌ساز محدودیت مالکان خصوصی اموال فرهنگی - تاریخی ثبت شده در فهرست آثار ملی است که به موجب قانون ۱۳۰۹ ایجاد شد.

■ **قانون مدنی، ماده (۳۰) مصوب ۱۳۰۷** مقرر می‌دارد: «هر مالکی نسبت به مایملک خود حق همه‌گونه تصرف و انتفاع دارد. مگر در مواردی که قانون استثنا کرده باشد». این ماده نیز در ابتدا بر قاعده تسلیط یعنی حق تصرف همه‌جانبه مالک بر مایملک خود تأکید می‌کند اما جمله پایانی «مگر در مواردی که قانون استثنا کرده باشد». استثنایی بر آن است و این قسمت در خصوص اموال دارای مالک خصوصی میراث فرهنگی به نفع حفظ حقوق عمومی میراث فرهنگی است زیرا همه قوانین این حوزه از جمله فصل نهم قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ بر حفظ میراث فرهنگی حتی اموال دارای مالکان خصوصی به نفع عموم جامعه تأکید ورزیده‌اند و از این نظر استثنایی بر حقوق مالکانه افراد هستند [۳].

■ **قانون راجع به حفظ آثار ملی مصوب سال ۱۳۰۹** که نخستین قانون ناظر بر میراث فرهنگی ایران است، از یک سو مالکیت خصوصی و یا تصرف قانونی آثار ملی را تأیید کرد و از سوی دیگر، دولت را محق به انجام عملیاتی برای حفاظت از این آثار دانست و از این رهگذر برای نخستین بار محدودیت‌هایی را بر حقوق مالکان خصوصی این گونه املاک وارد ساخت. ماده ششم این قانون، با جرم‌انگاری برخی اقدام‌ها در

۱. **قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل «۲۲»:** «حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند». اصل «۴۷»: «مالکیت شخصی که از راه مشروع باشد محترم است. ضوابط آن را قانون معین می‌کند».

۲. **ماده (۲۶) قانون مدنی:** اموال دولتی که معد است برای مصالح یا انتفاعات عمومی، مثل استحکامات و قلاع و خندق‌ها و خاکریزهای نظامی و قورخانه و اسلحه و ذخیره و سفاین جنگی و همچنین اثاثیه و ابنیه و عمارات دولتی و سیم‌های تلگرافی دولتی و موزه‌ها و کتابخانه‌های عمومی و آثار تاریخی و امثال آنها و به‌طور کلی هر آنچه که از اموال منقول و غیرمنقوله که دولت به‌عنوان مصالح عمومی و منافع ملی در تحت تصرف دارد، قابل تملک خصوصی نیست و همچنین است اموالی که موافق مصالح عمومی به ایالت یا ولایت یا ناحیه یا شهری اختصاص یافته باشد.



مورد آثار ملی، از جمله «منهدم کردن یا خرابی وارد آوردن به آثار ملی و مستور ساختن روی آنها به اندود و یا رنگ و رسم کردن نقوش و خطوط بر آنها». محدودیت‌های مورد نظر بر مالکان خصوصی را وارد حوزه کیفری کرد.<sup>۱</sup> بدین ترتیب قانون ۱۳۰۹ با هدف حفظ میراث فرهنگی به نفع عموم جامعه محدودیت‌هایی را بر مالکان خصوصی اعمال کرد؛ موضوعی که در قوانین بعدی حوزه میراث فرهنگی، تکرار و تأیید شد. شایان توجه است که شورای نگهبان طی نظریه ۶۰۷۶ صادره در سال ۱۳۶۱ در پاسخ به شورای عالی قضایی، شمول قانون راجع به حفظ آثار ملی نسبت به اموال دارای مالکیت خصوصی را خلاف شرع دانست. یکی از پیامدهای این نظریه مراجعات برخی مالکان خصوصی به دیوان عدالت اداری و درخواست خروج اموال متعلق به ایشان از فهرست آثار ملی بوده است و در نتیجه به صدور آرای دیوان عدالت اداری مبنی بر الزام وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی به تملک اموال موضوع دادخواست و یا اعطای زمین معوض به مالکان و در غیر این صورت الزام به خروج اموال موضوع دادخواست از فهرست آثار ملی منجر شده است [۴].

لایحه قانونی نحوه خرید و تملک اراضی و املاک برای اجرای برنامه‌های عمومی، عمرانی و نظامی دولت مصوب ۱۷ بهمن ۱۳۵۸ با اصلاحات و الحاقات بعدی، ظرفیت قانونی مناسبی برای تملک آثار دارای مالکان خصوصی از طریق اعطای زمین معوض است.<sup>۲</sup>

■ **«لایحه قانونی راجع به جلوگیری از انجام اعمال حفاری‌های غیرمجاز و کاوش به قصد به دست آوردن اشیاء عتیقه و آثار تاریخی که براساس ضوابط بین‌المللی مدت یک صد سال یا بیشتر از تاریخ ایجاد یا ساخت آن گذشته باشد»** مصوب ۱۸ اردیبهشت ۱۳۵۸ شورای انقلاب، نخستین قانون پس از انقلاب اسلامی است که حفاری به قصد کشف اشیاء عتیقه و خرید و فروش این اشیاء را جرم‌انگاری کرد و بدین ترتیب بر لزوم حفاظت از میراث فرهنگی به عموم جامعه، به طوری که در قانون ۱۳۰۹ پایه‌گذاری شده بود، صحنه گذارد. بدین ترتیب با توجه به نگرش حاکم بر این قانون مبنی بر تعلق میراث فرهنگی به کلیت مردم ایران، ماده واحده مورد نظر نیز به نوعی محدودیت‌هایی بر حقوق مالکان خصوصی اعمال کرد. طبق بند «۲» این ماده واحده «در صورتی که اشیای مذکور در این قانون بر حسب تصادف کشف بشود. کاشف مکلف است آنها را در اسرع وقت به نزدیک‌ترین اداره فرهنگ و آموزش عالی ارائه دهد» با این حال طبق جزء «الف» بند «۲» ماده واحده، مقرر شد، به کاشفان تصادفی که اموال را از ملک خصوصی خود به دست آورده و آنها را در اسرع وقت به تحویل دولت دهند، حق کشف پرداخت شود.<sup>۳</sup>

■ **فصل نهم قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۵ با اصلاحات بعدی، ماده (۵۶۴)** بر پایه جرم‌انگاری مقرر در قانون ۱۳۰۹ تصریح کرد هر گونه اقدام به «مرمت یا تعمیر، تغییر، تجدید و توسعه ابنیه یا تزئینات اماکن فرهنگی - تاریخی» بدون اجازه سازمان میراث فرهنگی (وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی) جرم محسوب است.

با اینکه در ماده (۵۶۴) اشاره مستقیم به مالکان خصوصی و متصرفین اموال فرهنگی - تاریخی ثبت شده در فهرست آثار ملی نشده است، اما

۱. قانون راجع به حفظ آثار ملی مصوب ۱۳۰۹، ماده ششم - «عملیات مفصله ذیل ممنوع و مرتکبین آن به موجب حکم محکمه قضایی به ادای پنجاه تومان تا هزار تومان جزای نقدی محکوم خواهند شد و به علاوه معادل خسارتی که به واسطه عمل خود بر آثار ملی وارد ساخته‌اند می‌توان از ایشان اخذ شود: الف) منهدم کردن یا خرابی وارد آوردن به آثار ملی و مستور ساختن روی آنها به اندود و یا رنگ و رسم کردن نقوش و خطوط بر آنها. ب) اقدام به عملیاتی در مجاورت آثار ملی که سبب تزلزل بنیان یا تغییر صورت آنها شود. ج) تملک و معامله بدون اجازه دولت نسبت به مصالح و مواد متعلقه به ابنیه مذکوره در فهرست آثار ملی. اقدام به مرمت و تجدید بنایی از آثار ملی که در تصرف اشخاص باشد باید با اجازه و تحت نظر دولت واقع شود والا مجازات‌های فوق‌الذکر ممکن است به مرتکب تعلق گیرد».

۲. اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان فارس، طی مکاتبه‌ای با اداره بنیاد مسکن انقلاب اسلامی شهرستان کازرون، (۱۴۰۳/۵/۶ مورخ ۱۴۰۳/۱۳/۵۹۶۴) درخواست کرد تا در راستای اعطای زمین معوض به مالکان ملک واقع در عرصه تپه تاریخی جهیدون مجاور روستای ناصرآباد از توابع کازرون که به شماره ۳۲۷۸ مورخ ۱۳۷۹/۱۲/۲۵ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است، «بنابه درخواست نامبردگان چنانچه واگذاری قسمتی از زمین‌های تحت اختیار آن اداره به عنوان معوض ملک ایشان امکان‌پذیر است، همکاری لازم به عمل آید». فقدان تکلیف دستگاه مورد نظر در اعطای زمین معوض به مالکان خصوصی ملک واقع در عرصه اثر تاریخی مذکور در این مکاتبه پیداست. این موضوع به‌رغم پیگیری‌های مکرر مالکان هنوز منتج به نتیجه نشده است.

۳. «لایحه قانونی راجع به جلوگیری از انجام اعمال حفاری‌های غیرمجاز و کاوش به قصد به دست آوردن اشیاء عتیقه و آثار تاریخی که براساس ضوابط بین‌المللی مدت یک صدسال یا بیشتر از تاریخ ایجاد یا ساخت آن گذشته باشد» مصوب ۱۳۵۸/۲/۱۸: ۲. در صورتی که اشیاء مذکور در این قانون بر حسب تصادف کشف بشود. کاشف مکلف است آنها را در اسرع وقت به نزدیک‌ترین اداره فرهنگ و آموزش عالی ارائه دهد. در این مورد هیئتی مرکب از قاضی شرع - دادستان محل و رئیس اداره فرهنگ و آموزش عالی با نمایندگان آنها با حضور یک نفر کارشناس اهل‌خبره تشکیل و پس از بررسی به ترتیب زیر عمل خواهد شد:

الف) در صورتی که اشیای مشکوفه از ملک شخصی باشد. در مورد فلزات قیمتی و جواهرات پس از توزین معادل دو برابر بهای روز ماده خام آن و در مورد سایر اشیاء نصف بهای تقویم شده به کاشف پرداخت خواهد شد».

در عمل این اقدام‌ها معمولاً از جانب مالکان خصوص صورت می‌گیرد. لذا اعمال ماده (۵۶۴) بیشتر در مورد مالکان خصوصی است. طبق ماده (۵۶۵) همین قانون، هر کس برخلاف ترتیب مقرر در قانون حفظ آثار ملی اموال فرهنگی - تاریخی غیرمنقول ثبت شده در فهرست آثار ملی را با علم و اطلاع از ثبت آن به نحوی به دیگران انتقال دهد به حبس از سه ماه تا یک سال محکوم می‌شود. بدین ترتیب انتقال اموال بدون اجازه وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی نیز جرم شناخته می‌شود.

در مواردی نیز حمایت موجود مشمول اموال ثبت شده دارای مالکان خصوصی نمی‌شود و صرفاً محدود به اموال دولتی و یا بدون مالک خصوصی است. به عنوان مثال، طبق ماده (۵۶۳) فصل نهم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) هر گونه تجاوز به اراضی و تپه‌ها و اماکن تاریخی و مذهبی که به ثبت آثار ملی رسیده و **مالک خصوصی نداشته باشد**، به شرط علامت گذاری توسط سازمان میراث فرهنگی کشور جرم و مشمول مجازات است.<sup>۱</sup> بدین ترتیب حمایت این ماده مشمول آثار دارای مالک خصوصی نیست.

به نظر می‌رسد مقنن، به این دلیل آثار ثبت شده دارای مالکان خصوصی را از شمول حمایت مقرر در این ماده مستثنی کرده است که جرم‌انگاری مربوط به نقض حقوق مالکان خصوصی مانند تخریب یا تصرف غیر قانونی یا موارد دیگر، در سایر مواد قانون مجازات اسلامی صورت گرفته است و از نظر وس، لزومی به تکرار حمایت کیفری مورد نظر از مالکان خصوصی در ماده (۵۶۳) نبوده است. با این حال باید این موضوع را در نظر داشت که اساساً تجمیع جرایم ناظر بر میراث فرهنگی در قالب یک فصل جداگانه، مبین تأیید اهمیت موضوع میراث فرهنگی توسط قانونگذار است. لذا شایسته است که با وجود سایر مواد قانونی مرتبط با موضوع، در ماده (۵۶۳) که مشخصاً مربوط به اراضی و تپه‌ها و اماکن تاریخی و مذهبی ثبت شده است، آثار دارای مالکیت خصوصی نیز از این حمایت کیفری برخوردار شوند. زیرا این گونه آثار نیز حتی با داشتن مالکان خصوصی، بخشی از میراث فرهنگی جامعه هستند و باید در برابر تعرضات، مورد حمایت دولت قرار گیرند. این امر می‌تواند نوعی حمایت از حقوق مالکانه دارندگان خصوصی و تشویق ایشان به حفظ میراث فرهنگی به شمار آید.

همچنین، به نظر می‌رسد این ماده حاصل نوعی تناقض یا دوگانگی در رویکرد حمایت از میراث فرهنگی به نفع عموم جامعه است. زیرا از یک سو آثار دارای مالکان خصوصی نیز متعلق به عموم جامعه قلمداد می‌شوند و اساساً محدودیت‌های وارده به حقوق مالکان خصوصی در سایر مواد فصل نهم، ناشی از همین رویکرد است. اما از سوی دیگر آثار دارای مالکان خصوصی در ماده (۵۶۳)، مورد حمایت قانون نیستند که این امر به طور تلویحی گویای این است که مالکان خود موظف به پیگیری قضایی تعرض به املاک خویش هستند. از یک سو اموال متعلق به عموم جامعه‌اند و از سوی دیگر دولت به نمایندگی از جامعه، تکلیفی نسبت به حمایت از این آثار و مالکان خصوصی آنها به عهده ندارد.

ماده (۵۶۹) این فصل واجد این امتیاز برای مالکان خصوصی است که تصریح می‌کند در صورتی که مالک خصوصی ملک تخریب‌دیده از ثبت آن بی اطلاع باشد از مجازات‌های مقرر در این قانون معاف خواهد بود. با این وجود روشن است که این ماده نیز چندان قابل اعمال نیست زیرا طبق رویه عملی وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی، ثبت آثار دارای مالکان خصوصی کتباً به ایشان اطلاع داده می‌شود و اعلام بی اطلاعی مالکان نزد دادگاه محل رسیدگی قابل پذیرش نیست.

■ **قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران**، مصوب ۱۳۷۹ مطابق بند «ج» ماده (۱۶۶) مقرر نمود «شوراهای شهر در صدی از درآمد شهرداری هر شهر را متناسب با نیاز بافت‌های تاریخی آن شهر در اختیار مدیریت ذی ربط در شهرداری قرار می‌دهند تا با نظارت واحدهای سازمان میراث فرهنگی کشور در جهت مرمت بناها، مجموعه‌ها و بافت‌های تاریخی همان محل به مصرف برسد». طی آیین‌نامه اجرایی این بند وزارت کشور موظف شد حداکثر تا پایان برنامه چهارم توسعه، در همه شهرهای دارای بافت تاریخی ارزشمند تعیین شده از جانب سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، ساختار مدیریتی مناسب در ستاد یا مدیریت

۱. ماده (۵۶۳) قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) «هر کس به اراضی و تپه‌ها و اماکن تاریخی و مذهبی که به ثبت آثار ملی رسیده و مالک خصوصی نداشته باشد تجاوز کند به شش ماه تا دو سال حبس محکوم می‌شود مشروط بر آنکه سازمان میراث فرهنگی کشور قبلاً حدود مشخصات این قبیل اماکن و مناطق را در محل تعیین و علامت گذاری کرده باشد».

۲. آیین‌نامه اجرایی بند «ج» ماده (۱۶۶) (تنفیذی قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۴/۴/۸، هیئت وزیران).



مناطق شهری با هماهنگی سازمان میراث فرهنگی کشور ایجاد کند. یکی از وظایف واحدهای سازمانی موضوع این آیین‌نامه طی بند «۲» ماده (۲) «برنامه‌ریزی و انجام اقدام‌های لازم برای حمایت و مساعدت فنی، کارشناسی، مالی و اجرایی نسبت به مالکان و متصرفان قانونی آثار ارزشمند تاریخی، فرهنگی، بازنشاسی، حفاظت و احیای اماکن و بافت‌های تاریخی از قبیل ساماندهی معابر و فضاهای عمومی هم‌جوار، اولویت در ارائه خدمات شهری و ایجاد تناسب در روش‌های ارائه آن با ویژگی‌های بافت با محوطه تاریخی، اقدام‌های لازم برای مقابله با سوانح طبیعی و آتش‌سوزی، جمع‌آوری و دفع آب‌های سطحی و اقدام‌های فنی لازم برای عبور تأسیسات شهری از قبیل آب، برق، تلفن، گاز و فاضلاب با رعایت اولویت فضاهای فرهنگی - تاریخی عمومی به‌ویژه بقاع متبرکه، آرامگاه مشاهیر، مساجد، حسینیه‌ها، تکایا، بازارها و گورستان‌های تاریخی» مقرر شده بود.

همچنین در قانون برنامه چهارم طی مواد (۱۱۵ و ۱۶۶) قانون برنامه سوم توسعه را تنفیذ کرد.

همچنین طی بند «الف» ماده (۱۱۴) قانون برنامه چهارم توسعه، دولت موظف شد برای اهتمام ملی در شناسایی، حفاظت، پژوهش، مرمت، احیا، بهره‌برداری و معرفی میراث فرهنگی کشور و ارتقای توان گردشگری، تولید ثروت و اشتغال‌زایی و مبادلات فرهنگی در کشور، اقدام‌های زیر را در طول برنامه چهارم به انجام برساند:

الف) تهیه و اجرای طرح‌های مربوط به حمایت از مالکان، متصرفین قانونی و بهره‌برداران آثار تاریخی - فرهنگی و املاک واقع در حریم آنها و مدیریت، ساماندهی، نظارت و حمایت از مالکان و دارندگان اموال فرهنگی - تاریخی منقول مجاز تا پایان سال اول برنامه چهارم. شایان ذکر است که آیین‌نامه اجرایی این بند و بند «و» همین ماده، در حوزه اموال منقول مجاز، تحت‌عنوان آیین‌نامه مدیریت، ساماندهی، نظارت و حمایت از مالکان و دارندگان اموال فرهنگی - تاریخی منقول مجاز تصویب شد. **با این حال موضوع آیین‌نامه مورد نظر صرفاً در حوزه اموال منقول مجاز است و عمدتاً شرایط مربوط به تشکیل و حمایت از موزه‌های خصوصی را در بر می‌گیرد.**

■ **قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۴-۱۳۹۰) ماده (۱۱) بند «د»،** سازمان میراث فرهنگی صنایع دستی و گردشگری را مجاز کرد، «از مالکیت و حقوق قانونی مالکان بناها و آثار و اشیای تاریخی منقول در جهت حفظ، صیانت و کاربرد مناسب آنها و اقدام‌های لازم جهت بیمه آثار فرهنگی، هنری و تاریخی حمایت مالی و معنوی کند» در این ماده به لزوم حمایت مالی و معنوی از مالکیت و حقوق قانونی مالکان هر دو نوع اموال منقول و غیر منقول اشاره شده است. با این وجود، ذکر واژه «مجاز» به جای واژه «مکلف»، الزام آور بودن اجرای این بند را منتفی کرد. علاوه بر این، کلی بودن عناوین حمایت مالی و معنوی بدون ذکر جزئیات و تکالیف اجرایی سازمان و زمان‌بندی لازم در راستای عملیاتی کردن حمایت مالی و معنوی نیز از عوامل دیگر غیر قابل اجرا بودن این بند است.

■ **قانون حمایت از مرمت و احیای بافت‌های تاریخی فرهنگی مصوب ۱۳۹۸** عمدتاً مربوط به نحوه مرمت و احیای بافت‌های تاریخی - فرهنگی با رعایت حقوق مالکانه است. در این قانون هیچ‌گونه اشاره‌ای به شیوه‌های جبران محدودیت‌های اعمال شده بر مالکان خصوصی نشده است.

شایان ذکر است که این قانون در ابتدا با عنوان طرح یک‌فوریتی حمایت از مرمت و احیای بافت‌های تاریخی - فرهنگی و توانمندسازی مالکان و بهره‌برداران بناهای تاریخی - فرهنگی به مجلس شورای اسلامی تقدیم شده بود اما با عنوان قانون حمایت از مرمت و احیای بافت‌های تاریخی فرهنگی به تصویب رسید. به نظر می‌رسد این تغییر عنوان، مؤید تغییر جهت اولیه یعنی حمایت از مالکان خصوصی به عنوان یکی از دو هدف اصلی پیش‌نویس قانون بوده باشد. بررسی مواد و بندهای این قانون نشان می‌دهد که در اینجا نیز هدف اصلی موضوع مرمت و احیای بافت‌های تاریخی فرهنگی است و در کنار آن، تکلیف به رعایت حقوق مالکان و متصرفان نیز - آن‌هم با اشارات کلی، بدون ذکر جزئیات و شیوه عملیاتی کردن حمایت آن شده است. به عبارت دیگر حمایت از مالکان خصوصی در این قانون، یک تکلیف فرعی و آن‌هم به صورتی غیر قابل اجراست. طی بند «خ» ماده (۱) تعریف حمایت، «بسترسازی مناسب برای توانمندسازی مالکان و بهره‌برداران و ارتقای کیفیت زندگی ساکنان بافت‌های تاریخی فرهنگی» است. با این حال بند «الف» ماده (۲)، تکلیف سازمان پیشین میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، «تهیه چارچوب

طرح‌های ویژه حفاظت و احیای بافت‌های تاریخی فرهنگی (از جمله تعیین حریم‌ها) با رویکرد صیانت از ارزش‌های تاریخی فرهنگی و ارتقای کیفیت زندگی ساکنان این محدوده‌ها با رعایت حقوق مالکانه و در چارچوب قوانین و مقررات ذی‌ربط است. در این بند هیچ‌گونه اشاره‌ای به شیوه اجرایی شدن کیفیت زندگی ساکنان این محدوده‌ها و رعایت حقوق مالکانه نشده است.

تبصره ماده (۳) نیز اشاره‌ای کلی به موضوع «رعایت حقوق مالکانه مردم و سایر حقوق قانونی و شرعی در اجرای مواد (۲) و (۳) این قانون» کرده است که در اینجا نیز جزئیات شیوه‌های عملیاتی شدن آنها و به‌خصوص نحوه پاسخ‌گویی سازمان مذکور در زمینه اجرای این بخش به مراجع نظارتی، مشخص نیست.

به‌طور کلی موضوع حمایت از مالکان خصوصی که در بند «خ» ماده (۱) این قانون، تعریف شده است در هیچ‌یک از مواد قانون، پیش‌بینی نشده است.

### ■ **آیین‌نامه حمایت از مالکان، متصرفان قانونی و بهره‌برداران خصوصی و غیردولتی آثار غیرمنقول و بافت‌های تاریخی فرهنگی**

**ثبت شده در فهرست آثار ملی و تاریخی، فرهنگی و باارزش** مصوب ۱۴۰۰/۵/۳ هیئت وزیران، برخی حمایت‌های جبرانی از اشخاص مذکور در عنوان آیین‌نامه در نظر گرفته است. در ماده (۲) این آیین‌نامه، طیف نسبتاً متنوعی از حقوق و امتیازات برای این‌گونه افراد در نظر گرفته شده است. از جمله این حقوق و امتیازات عبارتند از «محاسبه هزینه‌های انشعاب و مصرف آب، برق و گاز و جمع‌آوری و دفع فاضلاب آثار ثبت شده و ارزشمند غیرمنقول تاریخی - فرهنگی بر مبنای تعرفه مصارف کاربری‌های فرهنگی به استناد مواد (۱)، (۲) و (۳) قانون هدفمند کردن یارانه‌ها» (بند «۱»)، «تسهیل و تسریع در صدور مجوز و تعیین کاربری آثار غیرمنقول تاریخی - فرهنگی متناسب با شأن اثر در چارچوب کاربری‌های فرهنگی و گردشگری ظرف یک ماه با تأیید وزارت در چارچوب قوانین و مقررات مربوط» (بند «۳»).

بند «۲» این ماده، برای نخستین بار به موضوع حقوق مالکیت معنوی و مادی مالکان خصوصی تحت عنوان «حق مالکیت معنوی و مادی بر تصویر آثار غیرمنقول تاریخی - فرهنگی و حق استفاده تبلیغاتی، فرهنگی و معرفی آنها در قالب چاپ و نشر عکس منحصرأ برای مالکان و متصرفان و بهره‌برداران مذکور» توجه کرده است.

بند «۵» ماده (۲) با پیش‌بینی «حمایت دولت از کسب و کارهای نوپا (استارت‌آپ) و فعال مرتبط با احیا و بهره‌برداری از آثار غیرمنقول تاریخی - فرهنگی»، زمینه بهره‌برداری از میراث فرهنگی در امر توسعه فراهم ساخته است. بدین ترتیب میراث فرهنگی، علاوه بر آنکه دارای ارزش‌های معنوی مهمی از حیث زیبایی‌شناسی و جایگاه بسیار مهم آن در امر تحکیم هویت و همبستگی ملی است، همچنین ظرفیت بالقوه بسیار ارزشمندی در جهت افزایش و تقویت اشتغال و درآمدزایی، گسترش گردشگری فرهنگی و در نهایت رشد و توسعه اقتصادی کشور به‌شمار می‌رود. پیش‌بینی بند «۵» ماده (۲) علاوه بر زمینه‌سازی برای حمایت دولت از کسب و کارهای مرتبط با احیا و بهره‌برداری از آثار غیرمنقول فرهنگی - تاریخی، ضمن اینکه به اشتغال و درآمدزایی هم‌زمان با حفظ و نگهداری از میراث فرهنگی غیرمنقول می‌انجامد، نوعی فرهنگ‌سازی در راستای تأیید نقش میراث فرهنگی در زمینه توسعه اقتصادی در یک مصوبه هیئت وزیران نیز به‌شمار می‌رود.

امتیاز کلی آیین‌نامه آن است که موضوع آن مشخصاً حمایت از مالکان، متصرفان قانونی و بهره‌برداران خصوصی میراث فرهنگی است و برخلاف قوانین سابق الذکر در این بخش، تکلیفی فرع بر موضوع‌هایی چون ساماندهی جرایم و یا بافت‌های تاریخی نیست. با این وجود به‌نظر می‌رسد حمایت‌های جبرانی به‌عنوان تکلیف مصرح وزارت و سایر دستگاه‌های اجرایی مرتبط باید در قانون تصریح شود تا از ضمانت اجرایی و پشتوانه قانونی کافی بهره‌مند باشد [۵].

### ■ **قانون بر نامه هفتم پیشرفت جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۴۰۳ طی جزء «۲» بند «پ» ماده (۸۳) به وظیفه دولت «در**

راستای حفاظت از میراث فرهنگی و جبران حقوق مالکانه مردم» اشاره کرده و اقدام‌هایی در این زمینه به‌عنوان تکلیف وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی، مشخص کرده است. از جمله این اقدام‌ها، مذکور در جزء «۲» بند «پ» ماده (۸۳)، «بازنگری حریم‌های آثار ثبتی پیشین و تعیین حریم آثار ثبتی جدید با رعایت هم‌زمان حفظ اثر، فقدان اعمال محدودیت‌های نابه‌جا خارج از اختیارات قانونی، نحوه جبران



محدودیت‌های ایجاد شده قانونی برای مالکان» است که باید توسط وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی انجام شود.<sup>۱</sup> روشن است که تکلیف اصلی معین شده در این بند، مشخصاً بازنگری حریم آثار ثبتی و تعیین حریم آثار ثبتی جدید است. در این بند تصریح شده است که وزارت باید در اجرای تکلیف اصلی فوق‌الذکر، حقوق مالکان املاک واقع در این جرایم را نیز رعایت کرده و محدودیت‌های وارده بر مالکان را جبران کند. باین حال، همین تکالیف فرعی یعنی «فقدان اعمال محدودیت‌های نابه‌جا خارج از اختیارات قانونی، نحوه جبران محدودیت‌های ایجاد شده قانونی برای مالکان»، صرفاً عناوین کلی هستند و جزئیات مربوطه شامل تعریف «جبران محدودیت‌های ایجاد شده» و همچنین سازوکار اجرای آن و نیز زمان‌بندی استعلام گزارش اقدام‌ها از دستگاه اجرایی موردنظر در این بند ذکر نشده است. ضمن این که در مورد این تکلیف فرعی نیز وظیفه ارائه گزارش‌های منظم به مجلس در خصوص اجرای آن تصریح نشده و اقدام‌های انجام شده توسط وزارت در خصوص اجرای این تکلیف روشن نیست.

شایان ذکر است که در انتهای جزء «۲» بند «پ» در عبارت «جبران حقوق مالکانه مردم از جمله اعطای اراضی معوض به مالکان املاک واقع در عرصه و حریم آثار ملی که با محدودیت و کاهش ارزش املاک مواجه شده‌اند» یک مورد نمونه یا مصداق جبران محدودیت‌های ایجاد شده عنوان شده است و آن، «اعطای اراضی معوض به مالکان املاک واقع در عرصه و حریم آثار ملی که با محدودیت و کاهش ارزش املاک مواجه شده‌اند» است. باین که در این عبارت تنها یک نمونه از مصادیق جبران ارائه شده است اما نقطه قوت این بخش، قید عبارت «از جمله» است که به موجب آن، پیش‌بینی و اتخاذ مصادیق دیگر قابل انجام است. در عین حال نقطه ضعف این بخش، نبود تکلیف قانونی سایر دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط جهت مشارکت با وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی در زمینه ارائه زمین معوض به مالکان خصوصی موضوع جزء «۲» بند «پ» است. در ضمن به نظر می‌رسد همه - املاک ثبت شده در فهرست آثار ملی - و نه صرفاً بخشی از آنها - به دلیل فقدان برنامه‌ها و سیاست‌های جبرانی دولت، با کاهش ارزش مواجه هستند و قید این عبارت یعنی «جبران حقوق مالکانه مردم از جمله اعطای اراضی معوض به مالکان املاک واقع در عرصه و حریم آثار ملی که با محدودیت و کاهش ارزش املاک مواجه شده‌اند» از این نظر نیز محدودکننده است. بدین ترتیب ماده قانونی فوق‌الذکر صرفاً مربوط به موضوع جرایم بوده و هیچ‌گونه اشاره‌ای به حمایت از حقوق کلیه مالکان خصوصی اموال ثبت شده در فهرست آثار ملی ندارد.

به این نکته نیز باید توجه داشت که بند «الف» ماده (۸۳) قانون برنامه هفتم پیشرفت جمهوری اسلامی ایران، با هدف «توسعه گردشگری داخلی و افزایش جذب گردشگران خارجی، حفظ میراث فرهنگی کشور و همچنین توسعه و ترویج صنایع دستی، برای تأسیسات و فعالیت‌های گردشگری و حوزه صنایع دستی، معافیت‌های مالیاتی» در نظر گرفته است.<sup>۲</sup> از آنجایی که یکی از طرق حفظ میراث فرهنگی

۱. ماده (۸۳) قانون پیشرفت جمهوری اسلامی ایران، برای توسعه گردشگری داخلی و افزایش جذب گردشگران خارجی، حفظ میراث فرهنگی کشور و همچنین توسعه و ترویج صنایع دستی اقدام‌های زیر انجام می‌شود: بند «پ»: دولت مکلف است در راستای حفاظت از میراث فرهنگی و جبران حقوق مالکانه مردم اقدام‌های ذیل را انجام دهد:  
۱. سازمان ثبت اسناد و املاک کشور مکلف است با همکاری وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی نسبت به رقومی‌سازی نقشه‌های عرصه و حریم آثار ملی و محدوده بافت‌های تاریخی در نقشه‌های حدنگاری (کاداستر) و همچنین لایه شهرها و بناها و محدوده بافت‌های تاریخی - فرهنگی در «سامانه جامع صدور اسناد مالکیت و بستر یکپارچه استعلام دستگاهی» با رعایت قانون مدیریت داده‌ها و اطلاعات ملی تا پایان سال دوم برنامه اقدام کند.  
وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی مکلف است گزارش عملکرد این جزء را شش ماه یک‌بار به کمیسیون فرهنگی مجلس ارسال کند.  
۲. وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی مکلف است نسبت به بازنگری حریم‌های آثار ثبتی پیشین و تعیین حریم آثار ثبتی جدید با رعایت همزمان حفظ اثر، فقدان اعمال محدودیت‌های نابه‌جا خارج از اختیارات قانونی، نحوه جبران محدودیت‌های ایجاد شده قانونی برای مالکان و تعیین حریم‌های کالبدی، منظری، ساختاری و کاربردی، با لحاظ مؤلفه‌هایی همچون ارتفاع، شکل (فرم)، مصالح و سبک معماری، عوامل مؤثر در ساختار و پایداری اثر (سطحی و زیر سطحی)، کاربری و نحوه فعالیت‌های پیرامونی و امکان توسعه و نوسازی آتی در محدوده حریم‌ها با رعایت حقوق شرعی اماکن موقوفه، مساجد و موارد مشابه از جمله حفظ کاربری و نیت واقفین و نیز جبران حقوق مالکانه مردم از جمله اعطای اراضی معوض به مالکان املاک واقع در عرصه و حریم آثار ملی که با محدودیت و کاهش ارزش املاک مواجه شده‌اند، اقدام قانونی به عمل آورد.  
۳. وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی مکلف است حداکثر ظرف سه ماه پس از ثبت ملی یا جهانی هر اثر، حریم آن را مطابق قوانین و مقررات مربوط تعیین و ابلاغ کند. تعیین حریم ثبتی آثار ثبتی فاقد حریم یا بازنگری حریم‌های تعیین شده پیشین طی برنامه باید به گونه‌ای باشد که در هر سال از برنامه، بیست درصد (۲۰٪) از حریم‌های آنها ابلاغ شود.  
۲. ماده (۸۳) قانون پیشرفت جمهوری اسلامی ایران، برای توسعه گردشگری داخلی و افزایش جذب گردشگران خارجی، حفظ میراث فرهنگی کشور و همچنین توسعه و ترویج صنایع دستی اقدام‌های زیر انجام می‌شود: بند «الف-۱» تمامی تأسیسات و فعالیت‌های گردشگری و حوزه صنایع دستی از هر نظر دارای معافیت‌های مالیاتی قبلی و قوانین و مقررات بخش صنعت خود بوده و از شمول قوانین نظام صنفی مستثنا هستند...»

کشور، حمایت از مالکان خصوصی املاک ثبت شده در فهرست آثار ملی است، شایسته و بایسته بود که حمایت مالیاتی بند «الف» ماده (۸۳) مشمول این گونه املاک نیز قرار می گرفت. به عبارت دیگر تصریح نام مالکان خصوصی میراث فرهنگی که در املاک خود فعالیت اقتصادی هم‌شان اثر انجام می دهند در بند «الف» ماده (۸۳) می توانست، یکی از مصادیق مهم حمایت از مالکان این گونه اموال در راستای جبران محدودیت‌های قانونی باشد که البته این موضوع به نوعی جزء «۲» بند «پ» همین ماده نیز مورد توجه قرار گرفته است. با توجه به تنوع اقدام‌های قانونی ذکر شده، جدول زیر نگاهی جامع به وضعیت این قوانین و مقررات نسبت به موضوع مالکیت خصوصی دارد.

### جدول ۱. قوانین و مقررات مرتبط

عنوان	شرح	ارتباط موضوعی
قانون مدنی مصوب ۱۳۰۷ ماده (۲۶)	موزه‌ها و آثار تاریخی، در زمره مشترکات عمومی بوده و قابل تملک خصوصی نیستند.	غیرمستقیم
قانون مدنی مصوب ۱۳۰۷ ماده (۳۰)	طبق این ماده همه افراد حق تصرف و انتفاع از مایملک خود دارند مگر در مواردی که قانون استثنا کرده باشد.	غیرمستقیم
قانون راجع به حفظ آثار ملی مصوب ۱۳۰۹ -	طبق مواد چهارم و پنجم، حقوق مالکانه دارندگان خصوصی نسبت به مایملک ایشان تأیید شده است. اما در همین قانون، محدودیت‌هایی بر این افراد اعمال شده است.	مستقیم
«لایحه قانونی راجع به جلوگیری از انجام اعمال حفاری‌های غیرمجاز و کاوش به قصد به دست آوردن اشیای عتیقه و آثار تاریخی که بر اساس ضوابط بین‌المللی مدت یک صد سال یا بیشتر از تاریخ ایجاد یا ساخت آن گذشته باشد» مصوب ۱۸ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸ شورای انقلاب	طبق جزء «الف» بند «۲» کاشفین اموال در ملک خصوصی مستحق دریافت حق کشف هستند.	غیرمستقیم
مواد (۵۶۳، ۵۶۴ و ۵۵۹) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ با اصلاحات بعدی	این مواد، به اموال دارای مالکیت خصوصی ارتباط دارند.	غیرمستقیم
قانون برنامه هفتم پیشرفت جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۴۰۳ جزء «۲» بند «پ» ماده (۸۳)	در این بخش از قانون، وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی، موظف به جبران محدودیت‌های ایجاد شده برای مالکان شده است.	مستقیم
قانون حمایت از مرمت و احیای بافت‌های تاریخی فرهنگی مصوب ۱۳۹۸	در این قانون، حمایت از مالکان خصوصی به‌طور محدود مورد اشاره قرار گرفته است.	مستقیم
«آیین‌نامه حمایت از مالکان، متصرفان قانونی و بهره‌برداران خصوصی و غیردولتی آثار غیرمنقول و بافت‌های تاریخی فرهنگی ثبت شده در فهرست آثار ملی و تاریخی، فرهنگی و با ارزش»	این آیین‌نامه به موضوع‌های مربوط به حمایت از مالکان خصوصی پرداخته است.	مستقیم

مأخذ: نگارنده.



جدول نشان می‌دهد که قوانین و مقررات این حوزه هر چند به موضوع‌های مربوط به مالکیت خصوصی مالکان و متصرفان اموال تاریخی فرهنگی توجه داشته است اما در خصوص سازوکارها و نحوه جبران حقوق مالکانه آنها اقدام مؤثری صورت نداده است. در پاره‌ای از موارد هر چند به موضوع پرداخته است اما تأکید بیشتر بر موزه‌داری و اموال غیر منقول داشته است.

### ۳. فقدان حمایت از مالکان خصوصی اموال فرهنگی - تاریخی منقول مجاز

در بخش فوق، قوانین و مقررات مرتبط با مالکان خصوصی عمدتاً اموال غیر منقول بررسی شد. روشن است که قوانین حوزه اموال غیر منقول هر چند به گونه‌ای ناکافی، به موضوع حمایت از مالکان خصوصی این دسته از اموال میراث فرهنگی پرداخته‌اند، اما حمایت از مالکان خصوصی اموال فرهنگی - تاریخی منقول نیز در قوانین و مقررات ایران با خلأ جدی روبه‌روست. در واقع، اموال فرهنگی - تاریخی منقول در دو بخش قابل تقسیم‌بندی است. نخست، آن دسته از اموالی هستند که در اختیار موزه‌های دولتی قرار دارند لذا اموال دولتی محسوب می‌شوند. همچنین اشیای فرهنگی - تاریخی واقع در لایه‌های باستان‌شناسی مدفون در خاک و یا زیر آب‌های واقع در قلمرو ایران، تحت حاکمیت قوانین کیفی میراث فرهنگی بوده و لذا اموال دولتی به‌شمار می‌روند.

■ مهم‌ترین قوانین این حوزه، نخست ماده‌واحد «لایحه قانونی راجع به جلوگیری از انجام اعمال حفاری‌های غیر مجاز و کاوش به قصد به دست آوردن اشیای عتیقه و آثار تاریخی که براساس ضوابط بین‌المللی مدت یک‌صد سال یا بیشتر از تاریخ ایجاد یا ساخت آن گذشته باشد» مصوب ۱۳۵۸ شورای انقلاب است که طبق آن قانون حفاری به قصد کشف اموال عتیقه و آثار تاریخی ممنوع و جرم‌انگاری شد. طبق بند «۳» این ماده واحد، «منظور از اشیای عتیقه، اشیایی است که برطبق ضوابط بین‌المللی یک‌صد سال یا بیشتر از تاریخ ایجاد یا ساخت آن گذشته باشد» بدین ترتیب روشن است که این قانون، تعریف خاصی از اشیای عتیقه براساس ضوابط بین‌المللی مرتبط با موضوع اشیای عتیقه از جمله کنوانسیون اتخاذ تدابیر لازم برای ممنوع کردن و جلوگیری از ورود و صدور و انتقال مالکیت غیرقانونی اموال فرهنگی مصوب ۱۹۷۰ یونسکو ارائه کرده است. قدمت صدسال که مهم‌ترین ملاک موردنظر این قانون برای تعیین اشیای عتیقه است در کنوانسیون اتخاذ تدابیر لازم برای ممنوع کردن و جلوگیری از ورود و صدور و انتقال مالکیت غیرقانونی اموال فرهنگی مصوب ۱۹۷۰ نیز تأیید شده است.<sup>۱</sup> همچنین، کنوانسیون «حفاظت از میراث فرهنگی زیر آب» نیز در ماده (۱) میراث فرهنگی زیر آب را با ملاک «حداقل صدسال» تعریف کرده است.<sup>۲</sup>

شایان توجه است که هر چند ماده‌واحد یاد شده ملاک تعیین اشیای عتیقه را با استناد به ضوابط بین‌المللی مقرر داشته است، اما در جزء «الف» بند «۲» مبنای تعیین میزان «حق الکشف» به کاشفان تصادفی - در صورتی که اشیای مکشوفه از جنس فلزات قیمتی و یا جواهرات باشد - توزین آنها و دو برابر بهای روز ماده خام به کار رفته در اشیای مکشوفه در نظر گرفته است. به نظر می‌رسد این ملاک قیمت‌گذاری براساس مواد خام به کار رفته و نه ارزش فرهنگی - تاریخی اشیای عتیقه نقطه ضعف این قانون است چرا که اولاً ملاک قدمت صدسال مذکور در بند «۳» را تحت الشعاع قرار داده و یا حتی مخدوش کرده است و دوم ارزش اشیای عتیقه را تا حد مواد خام فلزات قیمتی به کار رفته در آنها تنزل داده است. حال آنکه تعیین قیمت اشیای عتیقه به لحاظ ارزش‌های بی‌بدیل فرهنگی - تاریخی، هنری، زیبایی‌شناسی و به‌ویژه برگشت‌ناپذیری آنها اساساً امری محال است. می‌توان مدعی شد که اشیای عتیقه نه تنها براساس توزین مواد خام به کار رفته در آنها - آن هم

۱. «قانون الحاق ایران به کنوانسیون اتخاذ تدابیر لازم برای ممنوع کردن و جلوگیری از ورود و صدور و انتقال مالکیت غیرقانونی اموال فرهنگی» مصوب ۱۳۵۳/۹/۱۷، ماده اول: به لحاظ کنوانسیون حاضر، منظور از اموال فرهنگی اموالی هستند که اعم از مذهبی یا غیرمذهبی به وسیله هر دولت، اهمیت آنها از نظر باستان‌شناسی، ماقبل تاریخ، تاریخی، ادبی، هنری یا علمی، مشخص شده و به انواع زیر تعلق داشته باشند: (ه) اشیای عتیقه که بیش از صدسال قدمت دارند، از قبیل کتیبه‌ها، سکه‌ها و مهرهای کنده‌کاری شده، ... (ک) اثاثیه‌ای که بیش از یک‌صدسال قدمت دارند و ابزار موسیقی قدیمی».

۲. قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون حفاظت از میراث فرهنگی زیر آب، مصوب ۱۳۸۷/۹/۱۳، «ماده (۱) - تعاریف. از نظر این کنوانسیون (الف-۱) «میراث فرهنگی زیر آب» به تمامی نشانه‌های زندگی بشری اطلاق می‌شود که دارای مشخصه فرهنگی، تاریخی یا باستان‌شناسی باشد و برای دوره‌ای خاص یا همیشه، حداقل صدسال، تمامی یا بخشی از آنها در زیر آب وجود داشته باشد ...».

صرفاً فلزات قیمتی و جواهرات به کار رفته، قابل قیمت گذاری نیستند بلکه این گونه اموال، اساساً فاقد قیمت می باشند.

■ فصل نهم از کتاب پنجم «قانون تعزیرات» مصوب ۱۳۷۵ با اصلاحات و الحاقات بعدی قانون مهم دیگری است که هر گونه حفاری به قصد کشف اشیای عتیقه، حتی در ملک شخصی را جرم شناخته و مرتکب را مشمول مجازات مقرر قرار می دهد. این قانون سرقت اموال فرهنگی - تاریخی از موزه ها، نمایشگاه ها، اماکن تاریخی و مذهبی و سایر اماکن تحت حفاظت یا نظارت دولت ماده (۵۵۹) و نیز اقدام به قاچاق اموال فرهنگی - تاریخی هر چند به خارج کردن آنها از کشور نینجامد ماده (۵۶۱) را نیز جرم انگاری کرده است.

باین حال بخش دیگری از اموال فرهنگی - تاریخی منقول ایران، یعنی اموال منقول مجاز دارای مالکان خصوصی، هنوز مشمول حمایت قانون نیستند؛ زیرا هیچ گونه اشاره ای به این گونه اموال در قوانین کیفری مربوط به میراث فرهنگی نشده است. از این رو در مورد حمایت از مالکان این گونه اموال خلأ قانونی وجود دارد [۶]. اموال فرهنگی - تاریخی منقول موجود در کشور، محدود به اموال دولتی فوق الذکر نبوده؛ بلکه بخش عظیمی از این گونه اموال، شامل اشیایی است که از طریق حفاری غیر مجاز در زمان معاصر و یا به شیوه های غیر قانونی مانند سرقت از موزه ها و سایر اماکن دولتی موضوع ماده (۵۵۹) به دست نیامده اند بلکه به شیوه قانونی و شرعی توارث به دارندگان خصوصی فعلی رسیده اند و مالکان حق مالکانه نسبت به آنها دارند. اما فصل نهم مجازات اسلامی (تعزیرات) در خصوص حمایت کیفری این دسته از اموال ساکت است.

این در حالی است که قانون پایه در حوزه میراث فرهنگی، یعنی قانون راجع به حفظ آثار ملی مصوب ۱۳۰۹، طی ماده هفتم، دولت را مکلف به ثبت و حمایت از آثار تاریخی منقول دارای مالکان خصوصی در فهرست جداگانه کرد. فهرست مورد نظر قانون مذکور، متفاوت با فهرست آثار ملی اموال غیر منقول است. به هر حال برخلاف فهرست آثار ملی که شامل اموال غیر منقول مانند بناها و تپه های تاریخی و اماکن فرهنگی - تاریخی است، تاکنون اقدامی در زمینه ایجاد فهرست آثار منقول مجاز - به شیوه مورد نظر در ماده هفتم قانون ۱۳۰۹ صورت نگرفته است و خلأ جدی از نقطه نظر اجرایی در این زمینه وجود دارد.

بدین ترتیب این ماده به نوعی این گونه مالکیت را تأیید کرده و صرفاً، نظارت بر آنها را از طریق فرایند ثبت در فهرست ویژه توسط دولت پیش بینی کرده است.

سایر قوانین حوزه اموال فرهنگی - تاریخی منقول، از جمله «آیین نامه اموال فرهنگی، هنری و تاریخی نهادهای عمومی و دولتی» مصوب ۷ اسفند ماه ۱۳۸۱ هیئت وزیران، «لایحه قانونی راجع به جلوگیری از انجام اعمال حفاری های غیر مجاز و کاوش به قصد به دست آوردن اشیای عتیقه» مصوب ۱۳۵۸ شورای انقلاب و نیز ماده (۵۶۲) «قانون مجازات اسلامی»، عمدتاً به موضوع اموال فرهنگی - تاریخی موزه ها و مجموعه های دولتی پرداخته اند.

طبق قوانین موجود، کلیه اموال فرهنگی - تاریخی موجود در موزه ها و مجموعه های دولتی، همچنین اموال منقول مدفون و یا مکشوفه محوطه های باستان شناسی، متعلق به دولت بوده و اشخاص خصوصی حق حفاری و کاوش عامدانه - حتی در ملک خصوصی متعلق به خود - جهت کشف و تحصیل این گونه اموال را ندارند و هر گونه اقدام در این خصوص و اقدام های دیگری چون خرید و فروش غیر مجاز و اقدام به قاچاق اموال منقول به دست آمده از حفاری غیر مجاز به قصد کشف اشیای عتیقه، از جانب قانونگذار ایران، به عنوان جرم شناخته شده و مرتکب مشمول مجازات حبس مقرر در قانون است. تأکید قوانین موصوف بر این که انجام حفاری و کاوش باستان شناسی، صرفاً توسط و یا با مجوز سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری مجاز است، دلالت صریح بر دولتی بودن اموال حاصل از این گونه اموال و نظارت حاکمیتی دولت بر محوطه های باستان شناسی و یا حتی املاک خصوصی محل وقوع اشیای در لایه های زیرین آنها دارد.

فصل نهم قانون مجازات اسلامی، در ماده (۵۵۹)، سرقت، خرید و پنهان کردن اشیای مسروقه - با علم به مسروقه بودن آنها - از موزه ها، نمایشگاه ها، اماکن تاریخی و مذهبی و سایر اماکن که تحت حفاظت یا نظارت دولت است را جرم انگاری کرده است اما هیچ گونه اشاره ای به همین اقدام ها در ارتباط با اموال و بناهای دارای مالکیت خصوصی نکرده است. شایان توجه است که قید عبارت «تحت نظارت دولت» ممکن است مشمول همه اموال ثبت شده در فهرست آثار ملی از جمله اموال دارای مالکیت خصوصی، شود؛ اما شایسته است عنوان «دارای مالکان



خصوصی» نیز در این ماده تصریح شود. به علاوه، اگر چه جرم‌انگاری‌های مربوط به سرقت در سایر مواد قانون مجازات اسلامی حتی با مجازات شدیدتری در مقایسه با ماده (۵۵۹) انجام شده است و از حیث حمایت کیفری از مالکان خصوصی، خلأیی وجود ندارد اما با توجه به رویکرد مقنن در زمینه تجمیع جرایم ناظر بر میراث‌فرهنگی در یک فصل جداگانه، شایسته است حمایت کیفری موردنظر از مالکان خصوصی در فصل نهم نیز مدنظر قرار گیرد.

ماده (۵۶۱) همین قانون، اقدام به خارج کردن هرگونه اموال تاریخی - فرهنگی (شامل اموال دولتی و خصوصی) از کشور، اعم از اینکه خروج از کشور به صورت دائمی و یا موقت باشد را قاچاق دانسته و مرتکب را مشمول مجازات مقرر در آن ماده دانسته است. لذا این ماده در زمینه خروج اموال فرهنگی - تاریخی متعلق به مردم، از کشور ابهامی ندارد. ماده (۵۶۲) قانون مذکور، صرفاً حفاری به قصد به دست آوردن اموال تاریخی فرهنگی اشیای عتیقه را جرم‌انگاری نکرده است و در مورد مالکیت اموال فرهنگی - تاریخی در اختیار مردم و دارندگان خصوصی، ساکت است. این سکوت، این ماده از سویی می‌تواند نقص قانون به حساب آمده و بلا تکلیفی‌های دیگری در مورد نحوه برخورد مراجع انتظامی و قضایی با این گونه دارندگان را ایجاد کند و ابهام‌هایی نیز در زمینه نحوه اقدام و مدیریت اجرایی این دسته از اموال منقول را از سوی سازمان میراث‌فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری به عنوان متولی قانونی حفاظت از میراث‌فرهنگی، موجب شود. از سوی دیگر سکوت مذکور ممکن است نوعی تأیید مالکیت اموال فرهنگی - تاریخی منقول - که از طریق توارث به دارندگان فعلی رسیده است - به حساب آمده و لذا هرگونه اقدام به نگهداری، جابه‌جایی (به جز خروج از کشور)، انتقال مالکیت، نمایش و فعالیت‌های اقتصادی مرتبط با آنها مجاز دانسته شود.

#### ۴. خلأ موجود در زمینه حمایت از مالکیت معنوی میراث‌فرهنگی



موضوع مالکیت معنوی نسبت به میراث‌فرهنگی در هیچ‌یک از قوانین حوزه میراث‌فرهنگی به طور صریح و کامل پیش‌بینی نشده است. تنها در قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان، مصوب ۱۳۴۸، (بند‌های «۹» و «۱۰» ماده (۲)) اشاره محدودی به حقوق مادی و معنوی پدیدآورنده آثار تولید شده بر مبنای «هنرهای دستی و نقشه‌فرش و گلیم» فرهنگ عامه (فولکلور)، «میراث‌فرهنگی و هنری و ملی» شده است [۷].

این در حالی است که موضوع میراث ناملموس ارتباط مستقیم با حقوق مادی و معنوی دارندگان و ذی‌نفعان مصادیق گوناگون میراث ناملموس دارد. این ذی‌نفعان عبارتند از جوامع سنتی و محلی که میراث ناملموس در این جوامع آفرینش شده و در طول زمان تکامل یافته است. همچنین استادکاران انواع دانش، هنر، فنون و مهارت‌های سنتی که باید پیش‌بینی‌های قانونی در خصوص حمایت از حقوق مادی و معنوی ایشان در ارتباط با تولیدات فرهنگی آنها ایجاد شود.

همچنین در حوزه میراث مادی شامل اموال فرهنگی - تاریخی موزه‌ای و اموال فرهنگی - تاریخی منقول مجاز، باید زمینه‌سازی قانونی جهت ایجاد حقوق مالکیت فکری و معنوی ایجاد شود.<sup>۱</sup>

#### کاستی‌های اجرایی

صرف نظر از کاستی‌های موجود در قوانین و مقررات حوزه میراث‌فرهنگی در زمینه حمایت از مالکان خصوصی، هیچ برنامه اجرایی برای انتظام‌بخشی به وضعیت مالکان خصوصی و برقراری ارتباط با مالکان خصوصی صورت نگرفته است. حال آنکه میراث‌فرهنگی در ایران، مفهوم و واقعیتی جامع متشکل از هر دو نوع اموال دولتی، به عنوان مشترکات عمومی موضوع ماده (۲۶) قانون مدنی و اموال خصوصی است که هر دو قسم باید ابتدا به ثبت در فهرست آثار ملی برسند تا مشمول حمایت‌های کیفری قانون مجازات اسلامی و سایر قوانین جزایی شوند. با این

۱. «اظهار نظر کارشناسی درباره: ماده (۴) لایحه اهداف و وظایف و اختیارات وزارت میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی: وظایف حوزه میراث‌فرهنگی»، مسلسل ۲۰۰۴، شهریور ۱۴۰۳، ص ۲۷.

نگرش میراث فرهنگی به منزله خانواده‌ای است که متولی آن باید همه اجزای آن را مورد توجه و حمایت قرار دهد.

با این حال حمایت از میراث فرهنگی، در مواجهه با مواردی که خارج از حیطه اختیار دولتی است، یعنی مواردی از میراث فرهنگی که دارای مالکیت خصوصی هستند و مدیریت و حفاظت از آنها خارج از اختیار دولت است، از نوع بازدارنده و سلبی است. یعنی در صورتی که مالکان در این آثار دست به اقدام‌هایی بزنند که ارزش‌های میراثی آنها را تهدید کند، مجرم شناخته شده و محکوم به مجازات حتی از نوع حبس می‌شوند. در حقیقت مالکان چاره‌ای به جز تحمل این محدودیت‌های کیفری ندارند زیرا قانون، مسیر دیگری را برای حمایت از ایشان مشخص نکرده است. ضمانت کیفری و حمایت سلبی فوق‌تر از آنچه تاکنون و تا حدودی به حفظ میراث فرهنگی به نفع عموم جامعه انجامیده است؛ اما در شأن مالکان خصوصی نیست و حتی می‌تواند به انزجار ایشان از میراث فرهنگی بینجامد. در حالی که با حمایت جبرانی و به‌عنوان مثال با ارائه خدمات و کمک‌های مالی و بسترسازی برای درآمدزایی اموال خصوصی میراث فرهنگی صورت گیرد، تأثیر بیشتری در حفظ میراث فرهنگی خواهد داشت و به‌علاوه از حجم مراجعات به دیوان عدالت اداری برای درخواست خروج از ثبت و یا تملک املاک خصوصی میراث فرهنگی نیز خواهد کاست.

به نظر می‌رسد تقویت ارتباطات میان دستگاه دولتی متولی حمایت از میراث فرهنگی با مالکان خصوصی امری ضروری است. اتخاذ برنامه‌ای هدفمند و منسجم در این خصوص می‌تواند در راستای کمک به حل مشکلات مبتلابه مالکان خصوصی سودمند واقع شود. این برنامه می‌تواند شامل موارد ذیل باشد: ۱. تهیه فهرستی از مالکان خصوصی و متصرفین قانونی، ۲. شناسایی مشکلات هر یک از آنها، ۳. ایجاد ساز و کار و تشکیلات اداری برای برقراری ارتباط مداوم میان دستگاه دولتی و اشخاص خصوصی با هدف حفاظت بهینه آثار از یک سو و رفع مشکلات مالکان از سوی دیگر.

شایان توجه است که وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی، سالیانه اعتباراتی را جهت تملک املاک میراث فرهنگی متعلق به مالکان خصوصی اختصاص می‌دهد. این موضوع متأثر از آرای دیوان عدالت اداری به نفع مالکان خصوصی که با طرح خواسته خروج آثار خویش از فهرست آثار ملی به دیوان عدالت اداری مراجعه می‌کنند نیز هست که طی این احکام، وزارت مکلف می‌شود یا اموال متعلق به خواهان‌ها را با اعطای زمین معوض و یا خرید ملک موضوع دادخواست، تملک کند و یا این اموال را از فهرست آثار ملی خارج کند. به هر حال اعتبارات در نظر گرفته شده در مقایسه با حجم عظیمی از املاک خصوصی ثبت شده در فهرست آثار ملی بسیار اندک است. طبیعی است که به دلیل کثرت و غنای آثار فرهنگی - تاریخی پراکنده در سرزمین پهناور ایران، تملک همه املاک متعلق به مالکان خصوصی و یا دست کم بخش قابل توجهی از آنها توسط وزارت غیر ممکن است. صرف نظر از غیر ممکن بودن این امر، تملک همه آثار توسط دولت، اقدام بایسته‌ای نیست زیرا در حال حاضر وزارت، بار عمده حفاظت از آثار فرهنگی - تاریخی در اختیار خود را بر دوش دارد. افزودن تعداد آثار در اختیار دولت از طریق تملک آنها از یک سو بر حجم وظایف وزارت می‌افزاید و از سوی دیگر نقش مالکان خصوصی به‌عنوان بخش عمده‌ای از مردم جامعه در ایفای مسئولیت عمومی و مشارکت در حفظ این آثار را ضعیف و کمرنگ می‌سازد. آنچه برای کاستن از بار مسئولیت دولت در امر حفاظت از میراث فرهنگی از یک سو و زمینه‌سازی برای ایفای مسئولیت عمومی توسط مردم از سوی دیگر باید، ارتقاء نقش دولت از یک نگهدارنده به ناظر است. به طوری که مالکان، عملیات حفاظت و بهره‌برداری آثار را انجام دهند و دولت بر این عملیات نظارت کند [۳].

علاوه بر فقدان حمایت جبرانی، تعامل لازم با مالکان برای کمک به کسب درآمد اقتصادی از آثار نیز وجود ندارد. فقدان و یا کمبود سیاست‌ها قوانین و مقررات، دستورالعمل‌ها و برنامه‌های اجرایی حمایتی از این جمله است.



## ۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری



قوانین ایران میراث‌فرهنگی را امری حاکمیتی قرار داده‌اند. این موضوع زمینه‌ساز حمایت و حفظ میراث‌فرهنگی به نفع عموم جامعه ایران بوده است. با این حال، کاستی موجود آن است که موازنه لازم میان حقوق عمومی و حقوق خصوصی میراث‌فرهنگی چنان که باید برقرار نیست و قوانین و برنامه‌های لازم برای جبران محدودیت‌های وارده بر مالکان خصوصی میراث‌فرهنگی، کفایت لازم را ندارند. بنابر آسیب‌شناسی موردنظر، چشم‌انداز وضعیت موجود چندان مناسب به حال مالکان خصوصی نیست. چنان‌که این وضعیت به نفع حفاظت از میراث‌فرهنگی هم نیست زیرا بیش از پیش مالکان را به نابودسازی و یادست کم به نبود حفاظت کافی و مسئولانه از آثار متعلق به خود سوق می‌دهد. یکی از راهکارهای جبران محدودیت‌های اعمال شده بر مالکان خصوصی میراث‌فرهنگی و حمایت از حقوق مالکیت خصوصی ایشان، ایجاد بسترهای لازم از جانب دولت، برای اتخاذ اقدام‌های خلاقانه از سوی مالکان خصوصی به‌ویژه در زمینه فعالیت‌های اقتصادی و درآمدزایی با استفاده از املاک خصوصی میراث‌فرهنگی است. این امر می‌تواند مالکان را به حفظ اثر، با هدف کسب درآمد از قبل آن ترغیب کند. با این حال، به فعلیت رسیدن این هدف مهم، مستلزم زمینه‌سازی قانونی و تصویب قوانین و مقررات لازم در این خصوص است.

### ۱ قانونگذاری در زمینه حمایت از مالکان خصوصی میراث‌فرهنگی

پیشنهاد این گزارش آن است که «قانون حمایت از مالکان خصوصی میراث‌فرهنگی» به تصویب برسد. قانون موردنظر لازم است حاوی پیش‌بینی‌های ذیل باشد:

- حمایت‌های جبرانی مربوط به ثبت اموال دارای مالکیت خصوصی در فهرست آثار ملی؛ بخشی از این حمایت‌ها در «آیین‌نامه حمایت از مالکان، متصرفان قانونی و بهره‌برداران خصوصی و غیردولتی آثار غیرمنقول و بافت‌های تاریخی فرهنگی ثبت شده در فهرست آثار ملی و تاریخی، فرهنگی و باارزش» پیش‌بینی شده است.
- اتخاذ بیمه مسئولیت مدنی از جانب مالکان خصوصی و متصرفین عمومی و یا خصوصی؛
- پیش‌بینی حقوق مادی و مالکیت معنوی مالکان میراث‌فرهنگی در هر دو بخش منقول و غیرمنقول؛
- پرداخت پاداش به مالکان خصوصی که وزارت میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی را از وجود دفاینه در املاک متعلق به خود، آگاه می‌کنند مشروط به اینکه اموال موردنظر در کاوش‌های تحت نظارت وزارت میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی کشف شوند، و تخصیص درصدی از عوارض نوسازی ساختمان‌ها از سوی شهرداری‌ها جهت تأمین هزینه‌های نگهداری و حفاظت از املاک میراث‌فرهنگی دارای مالکان خصوصی با رویکرد نهادینه‌سازی مسئولیت عمومی نسبت به میراث‌فرهنگی.

### ۲ قانونگذاری در زمینه «قانون ساماندهی اموال فرهنگی – تاریخی منقول مجاز» با تأکید بر حمایت از مالکان خصوصی

#### این دسته از اموال

با توجه به ابهامات موجود و کثرت پرونده‌های موضوع اموال فرهنگی – تاریخی متعلق به مردم که در نتیجه ابهام، سکوت و یا کاستی‌های قوانین مربوطه نزد مراجع قضایی وجود دارد و مشکلات عدیده‌ای که از این رهگذر برای مالکان قانونی ایجاد شده است، ضرورت دارد، پیش‌نویس لایحه «قانون ساماندهی اموال فرهنگی – تاریخی منقول مجاز» توسط وزارت میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی تهیه شده و به تصویب برسد. باید در این قانون، کلیه ضوابط مربوط به تعریف اموال فرهنگی – تاریخی منقول مجاز، نحوه احراز و اثبات و تأیید مالکیت، تهیه شناسنامه، طبقه‌بندی اموال، خرید و فروش و جابه‌جایی، نحوه و محل نگهداری، انتقال و خروج از کشور و برگزاری نمایشگاه‌های داخلی و خارجی و غیره، در قانون مشخص و پیش‌بینی شود.

### ۳ اصلاح فصل نهم کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات)

■ فقدان تفکیک موضوع اموال فرهنگی - تاریخی منقول مجاز از اموالی که به صورت غیر قانونی تحصیل شده‌اند در فصل نهم کتاب پنجم قانون تعزیرات، کاستی دیگر این فصل است.

ماده (۵۶۲) قانون مورد نظر هر گونه حفاری به قصد کشف اشیای عتیقه را جرم‌انگاری کرده است. در عین حال ماده (۵۶۱) هر گونه اقدام به خارج کردن اموال فرهنگی - تاریخی از کشور هر چند به خارج کردن آنها نینجامد، قاچاق محسوب کرده و مرتکب را مشمول مجازات دانسته است. این در حالی است که بخش عظیمی از اموال فرهنگی - تاریخی ایران، اشیای ارزشمندی هستند که نه از طریق حفاری در محوطه‌ها و اماکن تاریخی بلکه به شیوه قانونی توارث در اختیار دارندگان قرار دارند. با این حال هنوز هیچ گونه ضوابطی برای نگهداری، خرید و فروش، ورود و خروج آنها از کشور توسط قانون مشخص نشده است.

بنابراین، باید قانون میان دارندگان این گونه اموال، با اشخاصی که از طرق غیر قانونی نظیر حفاری غیر مجاز به قصد کشف اشیای عتیقه، خرید و فروش غیر مجاز، سرقت و سایر شیوه‌های غیر قانونی اموال را به دست آورده‌اند، تفکیک قائل شود و حمایت‌های لازم را از مالکان اشیای منقول مجاز به عمل آورد.

لذا پیشنهاد می‌شود که پس از تصویب قانون ساماندهی اموال فرهنگی - تاریخی منقول مجاز مذکور در بند «۲» این بخش و تعیین کلیه ضوابط مربوط به خرید و فروش، ورود و خروج این گونه اموال از کشور، جرم‌انگاری‌های لازم برای این دسته از اموال نیز در فصل نهم قانون مجازات اسلامی صورت گیرد.

■ پیشنهاد دیگر این گزارش آن است که مجازات کیفری حبس، مقرر در فصل نهم تبدیل به مجازات‌های مربوط به بخش تخلفات شود. این موضوع به معنای تأیید اقدام‌های مجرمانه توسط مالکان خصوصی نیست. بلکه صرفاً با هدف متناسب‌سازی مجازات با ماهیت جرم و یا تخلف مورد نظر صورت می‌گیرد. در این راستا باید تبصره ذیل به ماده (۵۶۴) فصل نهم کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) الحاق شود: «تبصره: در صورت ارتکاب مالک خصوصی اموال ثبت شده در فهرست آثار ملی به جرایم مذکور در این ماده، به جز تجدید و توسعه ابنیه یا تزئینات اماکن فرهنگی - تاریخی، مرتکب، به پرداخت جزای نقدی به میزان خسارات وارده به تشخیص وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی و همچنین رفع آثار تخلف، محکوم می‌شود.»

■ همچنین پیشنهاد می‌شود ماده (۵۶۳) فصل نهم کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) به شرح ذیل اصلاح شود:

«ماده (۵۶۳) هر کس به اراضی و تپه‌ها و اماکن تاریخی و مذهبی که به ثبت آثار ملی رسیده اعم از آثار دارای مالکیت خصوصی و یا غیر آن، تجاوز کند به شش ماه تا دو سال حبس محکوم می‌شود مشروط بر آنکه سازمان میراث فرهنگی کشور قبلاً حدود مشخصات این قبیل اماکن و مناطق را در محل تعیین و علامت گذاری کرده باشد.»

■ به علاوه پیشنهاد می‌شود ماده (۵۵۹) این قانون به شرح ذیل اصلاح شود:

«هر کس اشیای و لوازم و همچنین مصالح و قطعات آثار فرهنگی - تاریخی را از موزه‌ها و نمایشگاه‌ها، اماکن تاریخی و مذهبی و سایر اماکن تحت حفاظت یا نظارت دولت است اعم از اموال دارای مالکیت خصوصی ثبت شده در فهرست آثار ملی سرقت کند یا با علم به مسروقه بودن، اشیای مذکور را بخرد یا پنهان دارد، در صورتی که مشمول مجازات حد سرقت نشود، علاوه بر استرداد آن به حبس از یک تا پنج سال محکوم می‌شود.»

### ۴ اصلاح بند «۴۶» لایحه اهداف و وظایف وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی، با افزودن تبصره ذیل به این بند:

«تبصره - وزارت مکلف است، لایحه نحوه اعطای اراضی معوض به مالکان اراضی و یا بناهای واقع در عرصه و حریم آثار ملی را در چارچوب جزء «۲» بند «پ» ماده (۸۳) قانون برنامه هفتم پیشرفت کشور مصوب ۱۴۰۳، ظرف مدت یک سال پس از لازم‌الاجرا شدن این قانون به مجلس شورای اسلامی ارائه کند.»



## ۵ ایجاد ساز و کار اجرایی حمایت از مالکان خصوصی در وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی در سطوح ملی و استانی

شایسته است وزارت برای حمایت از مالکان خصوصی اموال ثبت شده در فهرست آثار ملی و نیز اموال منقول مجاز لایحه مربوط را تنظیم و از طریق هیئت وزیران تقدیم مجلس شورای اسلامی کند. همچنین اتخاذ شیوه‌هایی برای مشارکت حداکثری مالکان خصوصی در بخش‌های غیرحاکمیتی مدیریت و حفاظت میراث فرهنگی در سطوح ملی و استانی، در چارچوب قوانین و مقررات موجود، نوعی زمینه‌سازی عملی برای ایفای مسئولیت عمومی مالکان خصوصی است که تا حدی در قانون ۱۳۰۹ و یا به صورتی سلبی در فصل نهم کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) پیش‌بینی شده است. بهره‌گیری از الگوی نمونه‌های اقدام مناسب توسط دیگر مالکان و یا متصرفین در تهیه این شیوه‌نامه‌ها سودمند است. شایان یادآوری است که مشارکت اشخاص خصوصی در زمینه‌های فوق، به معنای کاستن از مسئولیت دولت در حمایت از میراث و جلوگیری از نابودی آن نیست و با توجه به گسترش آگاهی‌های عمومی نسبت به ارزش‌های میراث فرهنگی، زمان آن فرارسیده است که با تصویب قانون مسئولیت عمومی نسبت به میراث فرهنگی و میراث طبیعی، زمینه قانونی همکاری دولت و مردم به ویژه مالکان خصوصی در خصوص حفاظت از میراث فرهنگی فراهم آید [۲].

پیشنهاد دیگر آن است که در راستای مدیریت مشترک دولتی و خصوصی با مشارکت عمومی، سازمان‌های مردم‌نهاد مالکان و متصرفین و ذی‌نفعان توسط وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی لایحه مربوط را تنظیم و از طریق هیئت وزیران تقدیم مجلس شورای اسلامی کند.

## منابع و مأخذ



- [۱] مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، «آسیب‌شناسی جایگاه دیوان عدالت اداری در خروج آثار تاریخی از فهرست آثار ملی ثبت شده»، شماره مسلسل ۱۷۸۲۷، آبان ۱۴۰۰.
- [۲] مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، «ارائه بسته تقنینی جامع میراث طبیعی ایران»، مسلسل ۱۹۵۶۵، دی ۱۴۰۲.
- [۳] مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، «بررسی مسئولیت عمومی در قبال میراث فرهنگی و میراث طبیعی»، مسلسل ۱۹۸۶۹، تیر ۱۴۰۳.
- [۴] گزارش تقنینی در مورد اصلاح موادی از قانون راجع به حفظ آثار ملی مصوب ۱۳۰۹ (شاخص‌ها و فرایند ثبت آثار غیرمنقول)، اردیبهشت ۱۴۰۱، مسلسل ۱۸۲۲۴، ص ۳.
- [۵] مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، بسته تقنینی مسئولیت عمومی میراث فرهنگی و میراث طبیعی، مسلسل ۲۰۳۰۱، دی ۱۴۰۳، صص ۱۷-۱۵.
- [۶] مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، بررسی کلیات (بخش دوم) اظهار نظر کارشناسی درباره: لایحه اهداف و وظایف وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی، مسلسل ۲۰۳۳۲، دی ۱۴۰۳، صص ۸، ۱۱ و ۱۷.
- [۷] مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، بررسی ضرورت سیاست‌گذاری و وضع قانون صیانت از میراث فرهنگی ناملموس ایران و ارائه پیشنهادهای سیاستی، مسلسل ۲۰۳۵۱، دی ۱۴۰۳، ص ۱۲.

#### گزیده سیاستی

با توجه به سکوت قوانین مربوط به اموال فرهنگی - تاریخی منقول مجاز (اموالی که نه از طریق حفاری غیرمجاز بلکه به شیوه‌های قانونی مانند توارث در اختیار مردم هستند) باید تا حدی به ارث بردن این اموال به رسمیت شناخته شود.



مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

تهران، خیابان پاسداران، روبروی پارک نیاوران (ضلع جنوبی، پلاک ۸۰۲)

تلفن: ۷۵۱۸۳۰۰۰ صندوق پستی: ۱۵۸۷۵-۵۸۵۵ پست الکترونیک: [mrc@majles.ir](mailto:mrc@majles.ir)

وبسایت: [rc.majles.ir](http://rc.majles.ir)